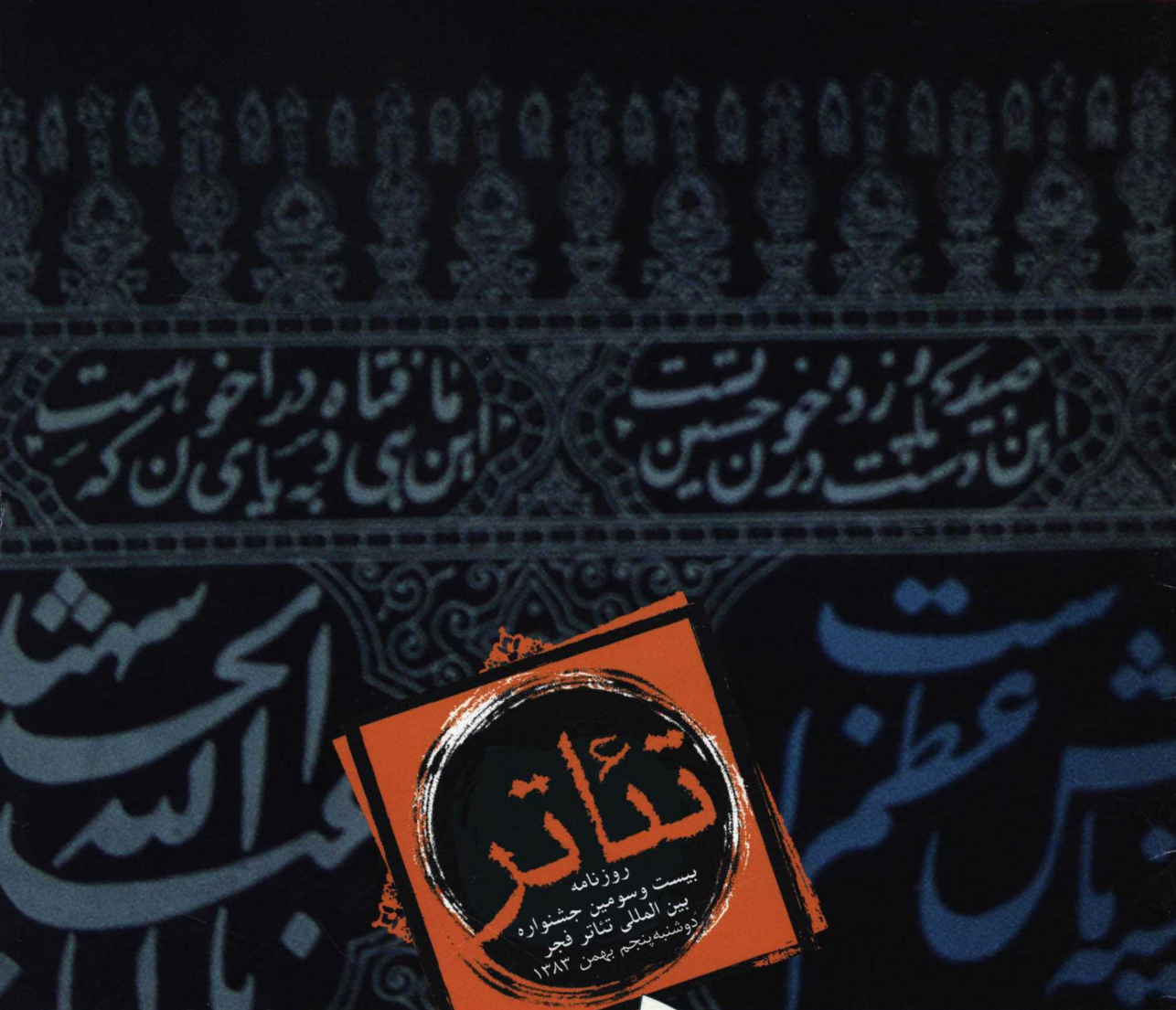


● در دبرزگ تئاتر شهرستان

◀ روز پنجم: ماجرای نیمروز

■ گزارش نشست‌های نمایشنامه خوانی و گفت‌وگوی تئاتر ملل



حضور آسان خبرنگاران در سالن‌های نمایش

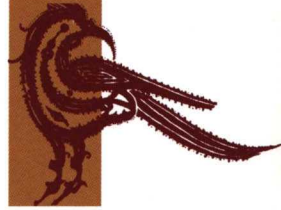
خبر نگاران در طول جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر می‌توانند با کارت‌های خبرنگاری از نمایش‌ها دیدن کنند.

با تدبیر مسؤولان جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر، در صورت عدم دسترسی خبرنگاران به بلیت نمایش، آنها می‌توانند با کارت‌های خود از کارها دیدن کنند. با این راهکار، همکاران مطبوعاتی، دیگر نباید نگران از دست‌دادن اجرهای مورد نظرشان باشند. پیش از این خبرنگاران تنها می‌توانستند با ارائه بلیت در سالن‌ها حاضر شوند.



نمایشگاه عکس در تریای چهارسو

نمایشگاهی از عکس‌های نمایش «شب خواهران برونته» در کافه تریای چهارسو برگزار می‌شود. گروه تئاتر «مارین باد» از کشور آلمان در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه «شب خواهران برونته» را اجرا خواهند کرد. پیش از اجرای آنها، نمایشگاه عکس‌های سیاه و سفید این نمایش در کافه تریای تالار چهارسو به نمایش گذاشته شده است.



برنامه گفت‌وگوی تئاتر ایران و جهان

سمینارهای تخصصی «گفت‌وگوی تئاتر ایران و جهان» از امروز در کتابخانه تئاتر شهر برگزار می‌شود. پیش از این، برنامه سمینارهای تخصصی با حضور علاقه‌مندان و گروه‌های خارجی در هتل بزرگ فردوسی برگزار می‌شد که به دلیل سهولت در استفاده عموم به کتابخانه تئاتر شهر منتقل شد. امروز سمینار و نشست گروه‌های تئاتر مارین باد با تأکید بر نمایش «اسرار شبانه» و گروه تئاتر اسکاتلند با نمایش «هنگامی که بلبل از خواندن می‌ایستد» برگزار می‌شود. روز سه‌شنبه، ششم بهمن ماه نیز نشست گروه‌های تئاتر ارمنستان با نمایش آنتیگونه و گروه تئاتر کویت - انگلستان با نمایش «الهملت» برگزار خواهد شد. سمینار روز چهارشنبه، هفتم بهمن نیز به گروه هلند با نمایش «آرنولت» اختصاص دارد. در آخرین روز از این نشست‌ها نیز گروه ژاپن با نمایش «سامورایی مجنون» و گروه آلمان با نمایش «شب خواهران برونته» به بحث و بررسی کارهایشان می‌پردازند. لازم به ذکر است که در کنار این نشست‌ها، هر روز یکی از مدیران تئاتری که از کشورهای مختلف دعوت شده‌اند به صحبت درباره مدیریت تئاتر می‌نشینند. این برنامه‌ها از ساعت ۱۱ تا ۱۳ در کتابخانه تئاتر شهر برگزار می‌شود.

برنامه کارگاه‌های آموزشی بیست و سومین جشنواره تئاتر فجر

کارگاه‌های آموزشی بیست و سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از دیروز و با حضور «ویکتور گولچنکو» آغاز به کار کرد. امروز گروه تئاتر «هفت» از کشور فرانسه، کارگاه آموزشی را درباره تئاتر خیابانی و عوامل مؤثر در آن برگزار می‌کند. روز سه‌شنبه نیز مجدداً «ویکتور گولچنکو» کارگاه آموزش دیگری با تکیه بر ممتنهای «دایی وانیا» و «سه‌خواهر» چخوف برگزار می‌کند. او در این کارگاه به تحلیل نقش‌های زنان و مردان در نمایش‌های چخوف می‌پردازد. در روز چهارشنبه نیز گروه تئاتر «مارین باد» از کشور آلمان سخنرانی دارد. در این کارگاه آموزشی «مارگارت بورلر» به سخنرانی درباره نمایش «شب خواهران برونته» می‌پردازد. این گروه روز پنجشنبه نیز کارگاهی را برگزار می‌کنند که فقط ویژه خانمها است و در این کارگاه با تکیه بر نمایش «شب خواهران برونته» به بررسی نقش‌های جوانان در زندگی اجتماعی و اهداف آنها می‌پردازند. آخرین برنامه این کارگاه آموزش، در روز جمعه، مجدداً مختص سخنرانی «ویکتور گولچنکو» و کارگاه او در باره تئاتر چخوف و تحلیل نمایشنامه «مرغ دریایی» است. این کارگاهها روزهای ذکر شده از ساعت ۱۰ تا ۱۲ و زیر نظر سیما تیر انداز در خانه هنرمندان تشکیل می‌شود.

پر کارترین‌های جشنواره امسال چه کسانی هستند؟

در جشنواره امسال، بازیگران می‌توانند در دو نمایش حضور داشته باشند؛ اما با افتتاح کارگاه نمایش و اضافه شدن بخشی تحت عنوان «tryout» این قاعده تا حدودی شکسته می‌شود چرا که این قانون تنها مربوط به نمایش‌هایی است که در بخش اصلی جشنواره حضور دارند.

پر کارترین کارگردانان جشنواره امسال چه کسانی هستند؟

۱. «آتیلا پسیانی» او به جز کارگردانی نمایش «تلخ مثل غسل»، نمایش «هاییل و قابیل» را نیز به کمک علیرضا کوشک جلالی کارگردانی می‌کند. در ضمن پسیانی نویسنده خواتین پنج قلعه نیز هست که مریم کاظمی آن را اجرا می‌کند.

۲. «چیستا یثربی» بعد از سال‌ها دوباره به کارگردانی روی آورده اما نویسنده «دو مرغ آخر عشق» به کارگردانی مرضیه شجاعی نیز هست و متن سیما تیرانداز را نیز نوشته است. (زنی که تابستان گذشته رسید).

۳. همچنین امیررضا کوهستانی به جز «تجربه‌های اخیر» که نمایشی است در بخش مرور، نمایشی را تحت عنوان «در میان ابرها» آماده دارد که جزو پر کارترین کارگردانان این جشنواره به حساب می‌آید.

۴. وحید رهبانی، کارگردان نمایش‌های «الوتریا» و «مرد اتفاقی» که در بخش مرور جشنواره هست نیز جزو پر کارترین‌های امسال است.

۵. اما خارج از همه اینها، اگر بخش «tryout» و نمایش‌های اجرا شده در کارگاه نمایش را در نظر بگیریم «حسن معجونی» و «سعید چنگیزیان» پر کارترین آدم‌های جشنواره‌اند.

حسن معجونی در دو نمایش «در انتظار گودو» علی‌اکبر علیزاده بازی می‌کند و در نمایش «من باید برم دیرم شده» محمد عاقبتی نیز نقشی کوتاه را برعهده دارد.

در بخش «tryout» نیز هم کارگردان است و هم بازیگر. کارگردان نمایش «شهرهای نامرئی» و بازیگر نمایش «در میان ابرها». از دو نمایش پر مخاطب خرس و خواستگاری نیز بگذریم که تا روز اول جشنواره همه بلیت‌هایش پیش فروش شده است و احتمالاً این نمایش‌ها مسؤولیت حسن معجونی را در سمت کارگردان سنگین‌تر نیز می‌کنند.

«سعید چنگیزیان» نیز به همراه حسن معجونی در تمام این نمایش‌ها بازی می‌کند و تنها وجه افتراق آن دو نمایش «در میان ابرها» است که سعید چنگیزیان به جای ایفای نقش در آن، در نمایش «تجربه‌های اخیر» بازی می‌کند.

شاید پر کارترین‌های جشنواره بعد از این دو نفر مهدی بجستانی (نمایش مرد اتفاقی)، الوتریا و ژولوس سزار به روایت کابوس) باشد و سپیده نظری‌پور که هم در «سرگرد باربارا» بازی می‌کند و هم طراح این کار است و کارگردانی نمایش (رویا) را نیز برعهده دارد.

شاید «ستاره پسیانی» را نیز بتوان جزو پر کارترین‌های جشنواره محسوب کرد، چرا که علاوه بر این که در سه نمایش «تلخ مثل غسل»، «تجربه‌های اخیر» و «کسی نام تو را روی ماه نوشته است» بازی می‌کند، از صبح در کارگاه نمایش مشغول کنترل و بستن نور گروه‌های مختلف تئاتری است.



فعالیت گسترده سایت «ایران - تئاتر»

در جشنواره بیست و سوم

همزمان با بیست و سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، سایت اینترنتی «ایران - تئاتر» به صورت گسترده اخبار تئاتری را منتشر می‌کند.

سایت اینترنتی «ایران - تئاتر» چندی پیش زیر نظر مدیریت مرکز هنرهای نمایشی و با حضور دکتر ایمانی خوشخو، دکتر خسرو نشان، فرهاد مهندس پور، داوود رشیدی، ایرج راد و ... افتتاح شد.

این سایت در بخشهای متعددی چون خبر، گزارش، مصاحبه، نقد، مقالات تئاتری، اخبار تئاتر شهرستان، اخبار تئاتر در بخش بین‌الملل، عکسهای تئاتری روز، اعلام نمایشهای در حال اجرا اطلاع رسانی می‌کند.

در این سایت همچنین می‌توانیم اخبار جشنواره بیست و سوم تئاتر فجر به صورت جداگانه و اخبار تئاتر مقاومت و عاشورایی را نیز مشاهده کنیم.

همچنین در قسمتی از سایت «ایران - تئاتر» گزیده اخبار و گفت‌وگوهای تئاتری که در سایر سایتها و رسانه‌های گروهی منتشر شده است، دیده می‌شود. علاقه‌مندان به دریافت اطلاعات تئاتری می‌توانند به آدرس www.theater.ir مراجعه کنند.

گفت‌وگو با سیروس حاجیلو؛ سرپرست تالارهای تئاتر شهر

همیشه حق با تماشاگر است

عمر فعالیت سیروس حاجیلو، سرپرست تالارهای نمایش تئاتر شهر بیش از عمر جشنواره تئاتر فجر است. او از جمله افرادی است که در تمام دوره‌های جشنواره در تئاتر شهر حضور داشته است. او درباره فعالیت‌های این بخش از تئاتر شهر می‌گوید: «یک بخش فعالیت‌ها منحصر به ایام جشنواره است اما بخش مهمتر آن به قبل از جشنواره بر می‌گردد.»

به گفته او قبل از جشنواره، مهم‌ترین کار، نیروگیری است. به این صورت که هر سال حدود ۷ تا ۸ نفر به کل پرسنل واحد هماهنگی تالارها افزوده می‌شود که از این تعداد معمولاً دو نفر خانم هستند. او این خانم‌ها را برای انجام کارهای حساس‌تر در نظر گرفته است: «بعضی از کارها هست که خانم‌ها بهتر از عهده آن بر می‌آیند. البته کارهایی هم هست که بیشتر از عهده آقایان بر می‌آید، مانند تنظیم صف و مواردی از این دست.»

شاید در نگاه اول به نظر برسد مسؤولیت واحد هماهنگی

تالارها تنها ارتباط با مردم است اما این تنها بخشی از این مسؤولیت است. کلیه هماهنگی‌هایی که برای اجرای یک نمایش لازم است، توسط این بخش انجام می‌شود به این صورت که هماهنگی با واحدهای نور، صدا، خدمات، تهویه و در مرحله آخر برخورد با تماشاگر از جمله وظایف این واحد است.»

حاجیلو، مهم‌ترین وظیفه این واحد را راهنمایی تماشاگران می‌داند: «مردم شاید ندانند یک نمایش بعد از طی چه مراحل روی صحنه می‌رود، آنها چندان در جریان مشکلات نیستند و به همین دلیل گاهی توقعشان بیش از توان نیروهای ما است. البته ما می‌دانیم در هر شرایطی، حق با تماشاگر است اما گاه شرایطی پدید می‌آید مانند سرما، تأخیر در اجرای نمایش‌ها و... که بعضی از تماشاگران را عصبی و پرخاشگر می‌کند و همین موجب می‌شود برخورد با این تماشاگران دشوارتر شود.»

حاجیلو یادآوری می‌کند: «اگر بخواهیم کسی ناراحت نشود باید طبق ظرفیت تالارها بلیت بدهیم اما در جشنواره معمولاً این اتفاق نمی‌افتد و همین موضوع، گاهی موجب دلگیری بعضی از تماشاگران می‌شود، به هر حال شعار ما این است که «همیشه حق با تماشاگر است.»

گزارش کارگاه آموزش «ویکتور گولچنکو»

چگونه می‌توان وارد نمایشنامه‌های چخوف شد؟

«ویکتور گولچنکو» رئیس لابراتوار چخوف‌شناسی مسکو، دیروز در کارگاه آموزشی به تحلیل نقشهای نمایشنامه «باغ آلبالو» اثر آنتون چخوف پرداخت.

موضوع مورد بررسی او در این کارگاه چگونگی به کارگیری «زبان صحنه» در نمایش «باغ آلبالو» بود. گولچنکو با اشاره به صحنه شروع نمایش و شخصیت «آینا»، گفت: «ما در اول نمایشنامه «باغ آلبالو»، آینا را در حال دویدن در صحنه می‌بینیم، در حالی که او دستانش را تکان می‌دهد و بدون هیچ دلیلی می‌خندد. از طرفی در بخش دیگری از کار، مادر این دختر را می‌بینیم که می‌خواهد با دخترش ارتباط برقرار کند و این بخش یکی از مهمترین قسمتهای این نمایش است. زیرا آینا بعد از سالها دوری، نمی‌تواند به راحتی با مادرش ارتباط برقرار کند و از او فرار می‌کند. پس در طول نمایش، بازیگران باید فضایی را فراهم کنند که به نوعی امکان این حسها و انتقال آن برای تماشاگر فراهم شود و این مسأله همان «زبان صحنه» است.

در ادامه این جلسه گولچنکو برای فهم بهتر این قسمت با استفاده از بازی سیما تیرانداز و رزیتا فضایی، تمام این بخش را اجرا کرد و سپس به تحلیل بازی این افراد در ایفای این نقشها پرداخت.

وی در این باره توضیح داد: «در چنین صحنه‌های نمایشی تنها «کلمات» نقش ندارند، بلکه بازیگران باید عمده تأکید و توجه خود را روی انتقال حسها بگذارند تا نکته اصلی نمایش به تماشاگر منتقل شود. به همین دلیل هم برای برخی از صحنه‌ها نیاز به کلمات طولانی و زیاد نیست، بلکه در شرایطی، «سکون» صحنه، بهتر حس را منتقل می‌کند.»

گولچنکو با اظهار خوشحالی از بازیهای بداهه بازیگران در ایفای این نقشها، گفت: «در این بخش بازیگران کاملاً سعی کرده‌اند تا با زبان صحنه صحبت کنند و ارتباط خود را در این راه برقرار کنند. بخصوص در صحنه‌هایی که دیالوگها حذف شد و بجای آن حرکتهای و حالات جایگزین شد، ارتباط گیری خیلی خوب بود چون این عامل در کارهای چخوف به کرات دیده می‌شود. پس رُست بازیگران باید به نوعی بیان کننده کلمات هم باشد.»

این چخوف‌شناس روس اضافه کرد: «بازیگران باید یاد بگیرند که چگونه وارد نمایشنامه‌های چخوف شوند، پس طرز فکر بازیگران به نوعی می‌تواند نشان دهنده ارتباط آنها نیز باشد.»

در قسمت بعدی این کارگاه مجدداً بخش دیگری از نمایشنامه «باغ آلبالو» توسط افشین هاشمی و سیما تیرانداز اجرا شد و گولچنکو با اظهار شگف از این اجرا، گفت: «میزانسنه‌های نمایشنامه بخوبی توسط بازیگران اجرا شد و این امر نشان دهنده توانایی‌های این افراد در استفاده مناسب از فضاهای نمایشی است. بخصوص وسایلی که این افراد در طول اجرا به کار گرفته‌اند، کاملاً مناسب این صحنه بود.»

وی همچنین با اشاره به بازی «افشین هاشمی» افزود: برخی از حرکت‌های او درست مناسب اجراهای چخوف است؛ زیرا که به بهترین حالت به کار گرفته شده است و به راحتی حس را منتقل می‌کند.»

گولچنکو در پایان این کارگاه، تصریح کرد: «در طول این برنامه متوجه شدم در میان شما تعدادی از بازیگران فعال و همکاران خوب وجود دارد زیرا که شما بخوبی چخوف را درک کرده‌اید و به راحتی زبان صحنه را با بازیهایتان منتقل کرده‌اید.» در ادامه این کارگاه و در روز سه‌شنبه، این چخوف‌شناس به تحلیل نمایشنامه‌های «دایی وانیا» و «سه خواهر» می‌پردازد.





از کارگردانان می‌پرسیم:

از اجرای تان راضی بودید؟

امروز کیومرث مرادی پاسخ می‌دهد

نمایش «ژولیوس سزار» به روایت کابوس» شبه شب در تالار قشایی در دو سانس ۱۸ و ۲۰ به روی صحنه رفت و با استقبال تماشاگران مواجه شد.

با «کیومرث مرادی» کارگردان این نمایش گپ کوتاهی زده‌ایم:

از اجرای نمایش راضی بودید؟

از لحاظ شکل اجرا به‌عنوان کارگردان راضی نبودم. احساس می‌کنم ۴۰ درصد دیگر کار باید در اجرای عمومی در بیاید. چون تمام ایده‌هایم نمی‌توانست در یک شب اجرا شود. آن هم به‌دلیل فشارهای معمول جشنواره حتی ما در اجرای اولی که داشتیم خیلی از ایده‌هایمان اجرا نشده چون بازیگران برای بار اول بود که روی صحنه آن سالن می‌رفتند.

نکته دوم این‌که (همانطور که گفتم) نمایش با تقابل تماشاگر شکل می‌گیرد، یعنی وقتی نمایش با تماشاگر روبرو می‌شود هوشش کامل می‌شود. امکان دارد خیلی از خلأها در این میان از بین برود، بعد از این دو اجرا، خانم ثمنی هم احساس کردند یکسری چیزها باید در نمایشنامه بازنویسی شود. در هر حال من از بازیگران و بخصوص بچه‌های طراح صحنه که در تاریکی با چراغ قوه صحنه را چیدند سپاسگزارم.

استقبال تماشاگران چطور بود؟

استقبال بسیار خوبی شده بود، فکر می‌کنم بچه‌های گروه که سالهاست زحمت می‌کشند، مزد زحماتشان را گرفتند. به هر حال اسم «شکسپیر» در پشت کار، برای خودش تماشاگر می‌آورد و مورد بعدی اینکه تماشاگران می‌دانند که می‌خواهند از این گروه مثل همیشه اجرای متفاوتی ببینند.

به آن چیزی که می‌خواستید در اجرای تان رسیدید؟ برای اجرای جشنواره بله، ولی برای اجرای عمومی خیر. چون احساس می‌کنم باید اجرا متکامل‌تر شود.



انگلیسی‌ها در تئاتر شهر

روز گذشته، دبیر اول علوم و هنر انگلستان به همراه مدیر شورای فرهنگی سفارت این کشور از تئاتر شهر و گروه نمایش فلسطین و اسکاتلند دیدن کردند. پس از اتمام نمایش «هنگامی که بلبل از خواندن می‌ایستد» (محصول مشترک فلسطین و اسکاتلند) به کارگردانی فیلیپ هاوارد، مدیران سفارت انگلستان، از این گروه دیدن کردند.



گزارشی از جلسات نمایشنامه خوانی

روخوانی به شیوه‌های مختلف

نمایشنامه خوانی همواره فرصت مناسبی بوده است برای آن دسته از هنرمندان تئاتر که کمتر فرصتی برای اجرای نمایش‌های مورد علاقه‌شان را داشته‌اند. به همین دلیل برگزاری این جلسات از جمله بخش‌هایی است که مدتی است در جشنواره فجر لحاظ شده. این برنامه‌ها قبلاً در کافه‌تریای اصلی تئاتر شهر برگزار می‌شد اما امسال برای نخستین بار این جلسات به پیشنهاد انجمن نمایشنامه نویسان خانه تئاتر با همکاری خانه هنرمندان ایران در تالار بتهوون این مکان برگزار می‌شود.

نمایشنامه‌های امسال توسط انجمن نمایشنامه نویسان و از میان آثار اعضای این انجمن انتخاب شده‌اند. انتخابی که هیأت مدیره این انجمن به عنوان یک اقدام صنفی آن را ارج می‌گذارد.

در مورد شکل خوانش نمایشنامه‌ها همیشه بحث و سخن‌های زیادی وجود داشته است، عده‌ای، خواندن نمایشنامه را خواندن صرف می‌دانستند و عده‌ای معتقدند در برگزاری این جلسات می‌توان از عناصری مانند نور، موسیقی، افکت و ... هم استفاده کرد. بعضی به نقش خوانی اعتقاد دارند و بعضی بر این باورند که نمایشنامه‌تها باید توسط نویسنده یا یک مجری خوانده شود اما اعضای انجمن نمایشنامه نویسان راه را برای تمام شرکت‌کنندگان باز گذاشته‌اند. آنها محدودیت خاصی را قائل نشده‌اند به همین دلیل تعدادی از نمایشنامه‌ها توسط نقش‌خوان‌ها خوانده می‌شوند و بعضی از نمایشنامه‌ها نیز توسط نویسندگان خوانده می‌شوند. اما در هر حال، حرکتی وجود ندارد و در هر حال نمایشنامه‌ها توسط فرد یا افرادی که نشسته هستند، خوانده می‌شوند.

موضوع دیگر به نا آشنا بودن تعدادی از اسامی بر می‌گردد. در میان نام شرکت‌کنندگان به نام‌هایی بر می‌خوریم که شاید چندان شناخته شده نباشند.

و این جلسات فرصتی است برای نویسندگانی که کمتر شناخته شده‌اند تا بتوانند خود و آثارشان را به جامعه تئاتری معرفی کنند، بویژه که این جلسات، همزمان با جشنواره فجر که بزرگ‌ترین رویداد تئاتر کشور است، برگزار می‌شود.

برگزاری این جلسات در خانه هنرمندان هم یک طرف دیگر قضیه است. شاید در نگاه اول، مخاطبان تئاتری تالار بتهوون در مقایسه با تماشاگران کافه‌تریای اصلی تئاتر شهر، بسیار کم‌تعدادتر به نظر برسند اما نمی‌توان منکر این موضوع شد که خانه هنرمندان، مخاطبان خاص خود را دارد. کسانی که پای ثابت برنامه‌های آن هستند. بنابراین برگزاری این جلسات در این مکان می‌تواند در جذب مخاطبان جدید مؤثر باشد.



در انتظار
گودو

پنجمین روز
جشنواره،
قصه دو دوشنبه



ماجرای نیمروز

آرش عباسی این نمایش را براساس تجربه‌های خود نوشته است. او که دوره دانشجویی‌اش را در یکی از همین خانه‌های دانشجویی سپری کرده، در این مورد می‌گوید: «این طرز زندگی برای من بسیار جذاب و نمایشی بود و دلم می‌خواست زاویه‌های پنهان زندگی دانشجویی را

در کارم نشان دهم».

کارگردانی نمایش هم به عهده آرش عباسی است و بازیگران آن، لیلا دانش، نرگس خاک کار و شیما روز بهانی هستند. این نمایش ساعت ۱۵ در خانه نمایش، روی صحنه می‌رود و فردا هم در همین ساعت و همین سالن نمایش، تکرار خواهد شد.

شهرهای نامرئی؛ زن اثیری

حسن معجونی تاکنون نمایش‌هایی از جمله «پای دیوار بزرگ شهر»، «مثل خون برای استیک»، «خواستگاری» و «خرس» را در کارنامه‌اش دارد و این بار با آخرین کارش یعنی «شهرهای نامرئی» در جشنواره حاضر شده است. او در باره این نمایش می‌گوید: «دکور کار به شدت ساده است. حتی سعی کرده‌ام از کارهای گذشته‌ام هم ساده‌تر باشد. آن چیزی که در این نمایش برایم اهمیت دارد، داستان آن است که جذبم کرده است» یکسری از افراد، همگی خواب شخصی را می‌بینند و آرام آرام در خواب به دنبال این شخص می‌روند، اما او را پیدا نمی‌کنند و در عوض همدیگر را می‌یابند. آنها مسیر عبور او را بازسازی می‌کنند و در جایی که

جشنواره‌ها دو بخش دارند: پشت صحنه و جلوی صحنه، آدم‌هایی که به دیدن نمایش‌ها می‌آیند، اغلب خواستار نظم، انضباط و دیدن کارها هستند و مدام عوامل پشت صحنه را نقد می‌کنند. از عوامل کارهای

نمایش گرفته تا عوامل اجرایی جشنواره.

عوامل اجرایی و کارهای نمایشی هم از بی توجهی مخاطب‌ها گله می‌کنند. شاید بهتر باشد به جای این کارها، نگاهی به صفحه «در انتظار گودو» داشته باشیم و بعد از پیدا کردن نمایش مورد نظرمان آن را ببینیم. همین.

تهران ساعت ۲۲؛ میهمان ناخوانده

نمی‌دانم اولین دانشجویهای تاریخ که در خانه‌های زیر شیروانی زندگی کرده‌اند، دقیقاً به چه زمانی مربوط می‌شوند، اما تا آنجایی که یادم می‌آید، «راسکلینکف» یکی از معروف‌ترین آنهاست. اما قرار نیست شما در «تهران ساعت ۲۲» احیاناً قصه راسکلینکف را در تهران بخوانید: «سه دختر دانشجوی شهرستانی در یک خانه دانشجویی در تهران زندگی می‌کنند. یک شب، یکی از دختران میهمانی را دعوت می‌کند و وقتی میهمان می‌آید و دوستان دختر از هویت او با خبر می‌شوند، بین آنها اختلاف پیش می‌آید. این اختلاف بخشی از واقعیت‌های زندگی آنان را شفاف می‌کند.»



میان می‌گذارد. در این مصاحبه، متوجه می‌شویم که عیوقی طی موقعیتی ناخواسته، درگیر یک مثلث عشقی می‌شود که دو ضلع آن خود اوست.»

این خلاصه داستان «یک تئاتر مستند» است که عبدالرضا نامری آن را براساس نوشته‌های از رسول اقلی رضایف نوشته و کارگردانی کرده است.

او ویژگی کارش را در هم تنیدگی موضوع و ساختار اثر می‌داند و با توجه به بکر بودن موضوع کارش می‌گوید: «ما سعی کردیم به مقوله عشق از زاویه‌ای جدید نگاه کنیم که شاید به همین دلیل موضوع کار مقداری برجسته تر از بقیه عناصر آن باشد». کارگردان «یک تئاتر مستند» دکور کارش را در هجده تابلو و با طرح واقع‌گرا طراحی کرده است.

این نمایش در ساعت ۱۷/۳۰ و ۲۰ در تالار سایه تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود.

استخوان‌های طلایی؛ یوسف خان از فرنگ برگشته

باز هم مرگ یک پدر، فرزندش را به وطن بر می‌گرداند: «یوسف بعد از سال‌های طولانی، به دلیل مرگ پدرش که به دلیل بیماری مرموزی به نام استخوان‌های طلایی فوت شده به ایران برگشته است. نمایش از جایی شروع می‌شود که جنازه پدر یوسف در اتاق مجاور قرار دارد. یوسف درباره رسیدن‌اش و اهدافی که دارد با دوست آمریکایی‌اش تلفنی حرف می‌زند. عمه و عموی یوسف می‌خواهند از این مکالمه سر در بیاورند.»

شکر خدا گودرزی که این نمایش را براساس نوشته‌های از دکتر فرهاد ناظر زاده کرمانی روی صحنه برده، در مورد خصوصیت‌های کارش می‌گوید: «مسئله هویت، تظاهر و... در این نمایش قوی بود و این کار کاملاً به روز است. زمان نمایش در سال ۸۰ و ۸۱ می‌گذرد، یعنی به زمان به روی صحنه رفتن آن بسیار نزدیک است.»

کارگردان «استخوان‌های طلایی» پیش از این، نمایش‌های «غول رنگی قلعه سنگباران»، «خورشید بانو»، «سرود باسروش»، «پستوخانه» و... را در کارنامه دارد. نمایش اخیر او هم در ساعت‌های ۱۶ و ۱۹ در تالار کوچک تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

همچنین نمایش‌های آنتیگون (ساعت ۱۹، تالار وحدت)، شرننگستان (ساعت‌های ۱۸/۳۰ و ۱۶، تالار سنگلیج)، و شاپور چه بسیار سفر کرد و برگردید (ساعت‌های ۱۶ و ۱۸، تالار هنر)، الان کجایی (ساعت ۱۵، کافه تریای تالار اصلی)، معلمی به نام صفر (ساعت ۱۶، تالار نو)، هنگامی که بلبل از خواندن می‌ایستد (ساعت‌های ۱۷/۳۰ و ۲۰، تالار چهار سو)، هفت طبقه (ساعت‌های ۱۸ و ۲۰، تالار قشقایی)، الهملت (ساعت ۱۸/۳۰، تالار اصلی) مجلس شبیه خوانی احمد سفاح (ساعت ۱۴، فضای باز تئاتر شهر)، کار من فونیر (ساعت ۲۲، فضای باز تالار وحدت)، افسانه (ساعت ۱۴ و ۱۵، تارار گفت‌وگو خانه هنرمندان)، آسمان برای ما نخواهد گریست (ساعت ۱۴ و ۱۵، تالار گفت‌وگو) و کودک مدفون (ساعت ۱۰ تا ۱۶، تالار تجربه خانه هنرمندان) به‌رویی صحنه خواهند رفت.

آن شخص در خوابشان محو می‌شود، یک شهر هویدا می‌شود. در «شهر نامرئی»، لیلی رشیدی، نگار جواهریان، میتراگرچی، سعید چنگیزیان و عماد حمیدی بازی می‌کنند و در ساعت‌های ۱۴ و ۱۸ و ۲۰ در کارگاه نمایش تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود.

رویاهای شهر من چرت می‌زند؛ تیغ و ابریشم

عبید رستمی با استفاده از تم اعتیاد در شهر زادگاهش، کارش را شکل داده است: «یکی از معضلاتی که در شهر سنندج به چشم می‌آید، بحث اعتیاد است. که این معضل متأسفانه در بین جوان‌ها هم شیوع پیدا کرده است. لمس این موضوع باعث شد سراغ این سوژه بروم.»

نویسنده و کارگردان «رویاهای شهر من...» که پیش از این کارهایی چون «آهوان بلورین»، «اولین بازی، آخرین زنجیر»، «غوک» و «هشت زخم سرخ» را در کارنامه‌اش دارد، می‌گوید که در این کار از هیچ دکور خاصی استفاده نشده است. او همچنین در بعضی از قسمت‌های کارش از لباس کردی استفاده کرده و در بعضی دیگر، از لباس‌های فرم. او می‌گوید: ما در این نمایش شاهد پرداختن به هجمه‌های مدرن هستیم که زیر ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی دارد. نگاه خصوصی به شهر سنندج و موضوع اعتیاد در این شهر، موضوع بسیار بزرگی است.»

در این نمایش خسرو معین افشار، حسن ترقی، فرشید گویلی و ژاکلین اعتصامی... بازی می‌کنند و «رویاهای...» در ساعت ۱۵ و ۱۷/۳۰ در تالار مولوی اجرا می‌شود.

گلایه؛ دفتر چه خاطرات

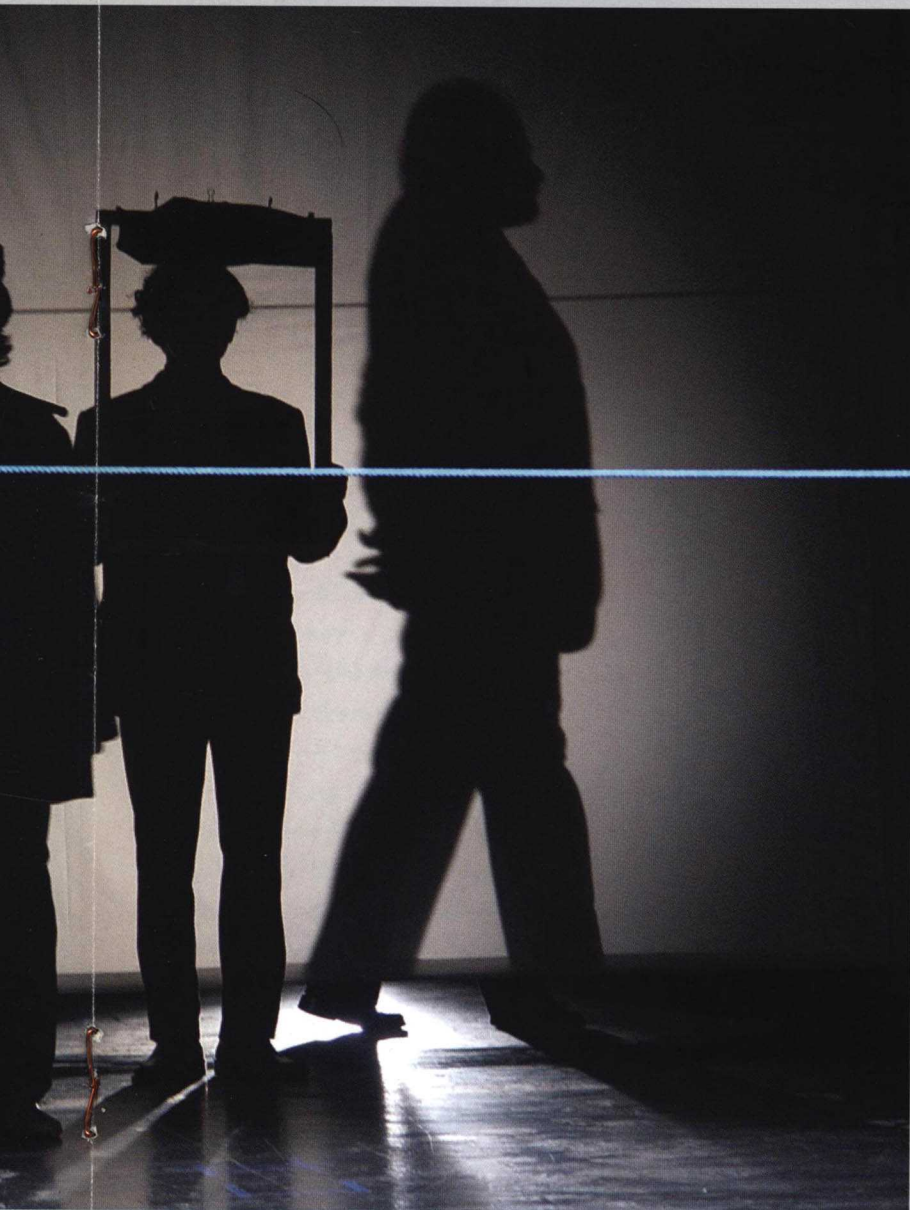
«ابراهیم، جانباز جنگ به دلیل وضعیت نامساعد جسمی و روحی و به دلیل عدم وجود اسناد و مدارک کافی دال بر جانباز بودنش، در بلاتکلیفی به سر می‌برد. نمایش گلایه به سه مقطع از زندگی تکراری و روزمره ابراهیم در برخورد با آدم‌های پیرامون و خاطرات دوران جنگش می‌پردازد.»

محمد مهدی خاتمی این کار را نوشته و کارگردانی کرده است و «احمدریحانه»، «منصوره شیرازی» و «غلام رضا عارف نژاد» در آن بازی می‌کنند.

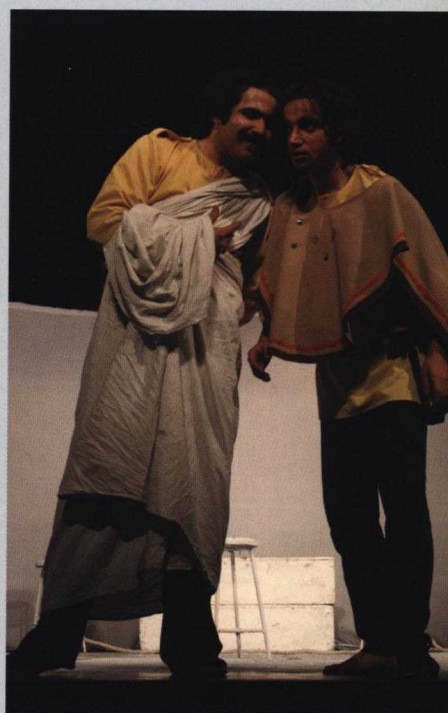
«گلایه» در ساعت ۱۶ و در تالار خورشید روی صحنه می‌رود.

یک تئاتر مستند؛ گوشه‌ای از یک عشق

«بهمن عیوقی طی یک مصاحبه، حکایت زندگی خود را در



- ۱ مهنایی در قالی
- ۲ داستان های کارور
- ۳ و ۹ خداوند یحیی را در جلیل می خواند
- ۴ مجلس شبیه خوانی تخت سلیمان
- ۵ تئاتر خیابانی
- ۶ زازن بکام - زازن ناکام
- ۷ و ۸ رویا نیمه شب تابستان
- ۱۰ رویا (خانه)
- ۱۱ الوتربیا
- ۱۲ هنگامی که بلبل از خواند می ایستد





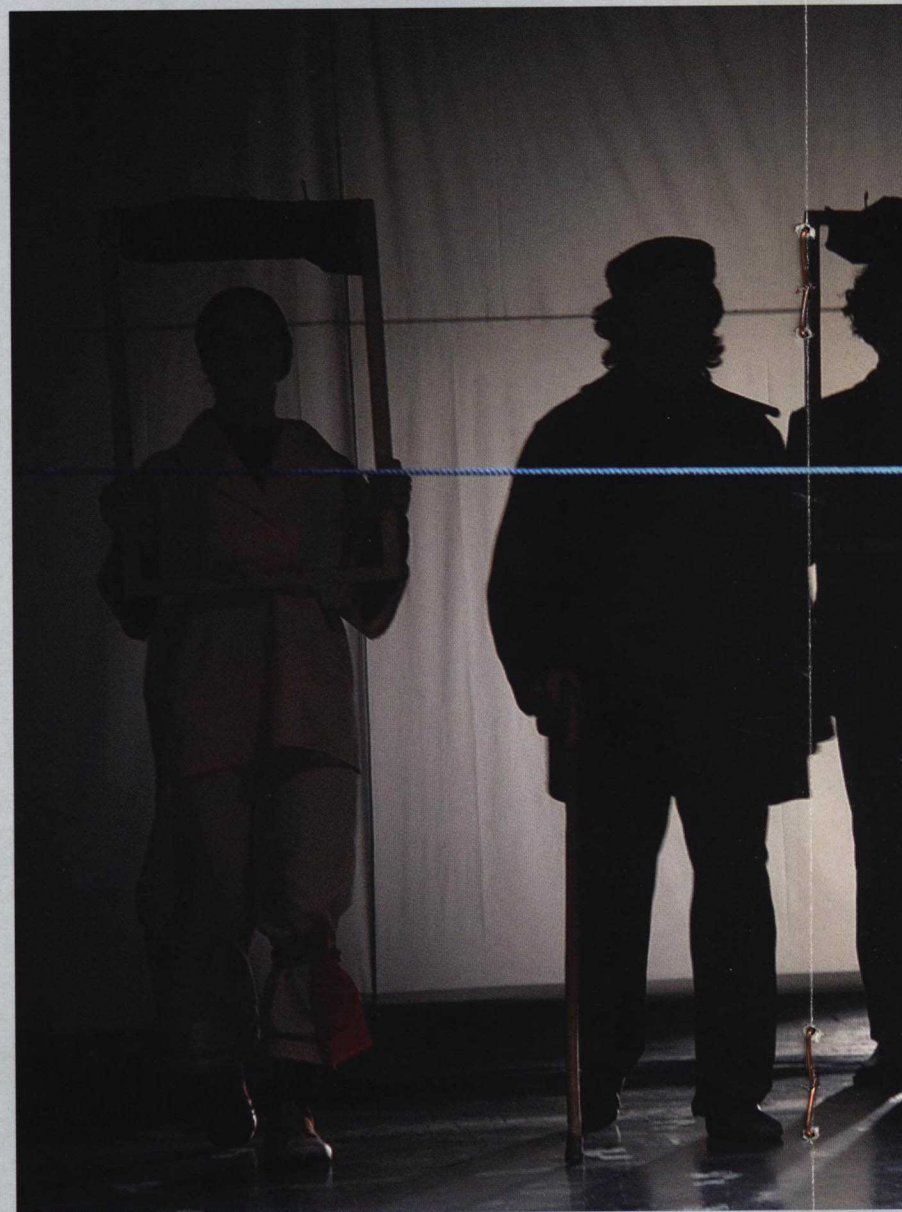
۴



۳



۵



۷



۸



۱۲



۱۱



«مردی برای مداوای یک بیماری جزیی به بیمارستان می‌رود. بیمارستانی که فضای متفاوتی دارد. هر بیمار در یک طبقه بستری شده است. او با فضایی غیرمتعارف روبه‌رو می‌شود. به‌طوری که هنگام خروج از بیمارستان، دیگر همان مرد قبلی نیست»

این خلاصه‌ای است از داستان نمایش «هفت طبقه» نمایشی که توسط حمیدرضا نعیمی نوشته شده و کارگردانی آن را خسرو شهرزاد برعهده دارد.

خسرو شهرزاد عضو گروه تئاتر «همراه» است. گروهی که در کرمانشاه فعال است و اعضای آن از میان هنرمندان پیشکسوت و جوانان تئاتری این شهر انتخاب شده‌اند. شهرزاد از دوستان نزدیک حمیدرضا نعیمی است و پیش از این هم نمایشنامه‌هایی را از او اجرا کرده است: «نمایشنامه‌های آقای نعیمی، فضاهای خاصی دارد که کمتر نویسندگانی می‌تواند آنها را خلق کند. فضاهایی که من آنها را دوست دارم و به خوبی با آنها ارتباط برقرار می‌کنم»

اگر نمایش‌های دیگر نعیمی را دیده باشید متوجه می‌شوید ماجرای نمایش‌های او اغلب در فضاهای غیرایرانی رخ می‌دهند. فضایی که شاید جغرافیای خاصی نداشته باشد. به گفته شهرزاد نمایش «هفت طبقه» نیز چنین فضایی دارد: «البته در این فضاها به نوعی درد اجتماع ما بیان می‌شود منتها به دور از کلیشه‌های رایج و به نوعی آشنایی‌زدایی صورت می‌گیرد»

شهرزاد علاقه‌مند است حرف‌هایش بعد بیشتری داشته باشد: «عده‌ای فضاهای ایرانی را ترجیح می‌دهند و دوست دارند نمایش‌هایشان به یک جغرافیای خاص تعلق داشته باشد اما من فضای جهانشمول را ترجیح می‌دهم»

به اعتقاد او، یکی از ویژگی‌های متن‌های حمیدرضا نعیمی این است که می‌توان آنها را به شیوه‌های گوناگونی اجرا کرد: «می‌توان آثار او را با نگاهی متفاوت نگاه کرد به همین دلیل می‌توان اجرایی با استفاده از سمبل و استعاره داشت یا به شکل سوررئال یا گروتسک، کار را اجرا کرد و همین یکی از دشواری‌های کار هم هست، چون انتخاب را سخت می‌کند»

فضای این نمایش، فضای هول و هراس و وحشت است و از برخورد همین ترس و وحشت است که طنز سیاه و تلخی به وجود می‌آید. همین موضوع موجب می‌شود، شهرزاد تصمیم بگیرد نمایش را در فضای سوررئال کار کند هر چند خودش می‌داند، می‌شود نمایش را در فضاهای دیگر هم اجرا کرد.

شهرزاد که از جمله علاقه‌مندان آموزش تئاتر به هنرجویان جوان در کرمانشاه است، سال گذشته و با هزینه شخصی خود، کلاس‌های آموزش تئاتر را ویژه آموزش کارگردانی، بازیگری، نمایشنامه‌نویسی و... راه‌اندازی می‌کند که در مجموع ۶ ماه به طول می‌انجامد.

او هم مانند تعداد دیگری از هنرمندان شهرستانی از وضعیت تئاتر در شهرستان‌ها چندان راضی نیست: «صادقانه بگویم کار تئاتر در شهرستان‌ها بسیار دشوار است. هم به دلیل کمبود امکانات و هم دیگر معذوراتی، که وجود دارد. کمبود بودجه، مشکل‌ساز است. ناچاریم به اعضای گروه‌مان دست‌مزد‌های ناچیزی بدهیم، علاوه بر این، فضای شهرستان خیلی بسته است و ایجاب می‌کند در همان محیط بسته کار کنیم»

او البته از موضوع دیگری هم گل‌مندی است؛ عدم اجرای عمومی نمایش‌ها در کرمانشاه: «هدف ما از اجرای نمایش، این است که مردم نمایش‌هایمان را ببینند. تا زمانی که نمایش‌ها به مرحله اجرای عمومی نرسند، نمی‌توانند مسیر درست خود را پیدا کنند اما در کرمانشاه به این شکل نیست که شرکت در جشنواره حتماً به معنای گرفتن نوبت اجرای عمومی باشد. این مسأله، بزرگ‌ترین مشکل ماست»

شهرزاد می‌گوید: «در شکل فعلی هر نمایش تنها بین ۲ تا ۴ روز می‌تواند اجرا شود. آن هم به شکلی نامناسب. تبلیغات بسیار اندک است و تنها دوستان و آشنایان تئاتری هستند که از اجرای ما خبردار می‌شوند و به این ترتیب تماشاگران ما دوستانمان هستند و نه مردم. دردهای بزرگ تئاتر شهرستان‌ها هرگز دیده نمی‌شود»

شهرزاد جزو آن دسته از هنرمندان شهرستانی است که توانسته نمایش خود را در تئاتر شهر اجرا کند و این موضوع را در استقبال تماشاگران بی‌تأثیر نمی‌داند: «امسال دوستانی که در رأس جشنواره بودند، کارهای ارزشمندی کردند و بهای بیشتری به بچه‌های شهرستان دادند. هم مبلغ کمک هزینه‌ها را بیشتر کردند و هم جوایز را حذف کردند. جوایز تبدیل به عصری مخرب برای تعدادی از هنرمندان جوان و تازه‌کار شده بود اما امسال گروه‌ها با خیال راحت و خارج از حاشیه می‌توانند کار کنند»



درد بزرگ تئاتر شهرستان‌ها

ندا آل‌طیب

گفت‌وگو با خسرو شهرزاد
کارگردان نمایش «هفت طبقه»
(از کرمانشاه)

جلوی درب اصلی تئاتر شهر اجرای خیابانی روایتی از سهراب، کارگردان، سیدسروش پیامبری از کرمانشاه.

اول کار را که می‌بینی، فکر می‌کنی مثل همیشه داستان سهراب شاهنامه است ولی کمی که می‌گذرد تازه متوجه می‌شوی که متن اصلی شاهنامه تغییر کرده و امروزی شده است. این بار نقال قصه پسر جوانی را می‌گوید که سهراب نام دارد و دچار مشکلات فراوانی از جمله کتک‌خوردن، کار و ازدواج است. «سروش پیامبری» می‌گوید: «من می‌دانستم که بارها و بارها قصه شاهنامه را شنیده‌ام به خاطر همین متن را تغییر داده و آن را امروزی کردم تا بتوانم از این طریق معضلات جوانان را به نمایش بگذارم و کار را به گونه‌ای به طنز در آوردم که تماشاگر را خسته نکند».

او اجرای خیابانی را پر تأثیرترین نوع کار تئاتر در ایران می‌داند و معتقد است: «بسیاری از مردم ما بوجه و وقت کافی برای دیدن اجراهای سالی ندارند و فکر می‌کنم شاید کار خیابانی بتواند پیام خود را بهتر در اختیار مخاطب بگذارد».

پیامبری از کم‌رنگ شدن اجراهای خیابانی گل‌مند است و یکی از دلایل این امر را عدم همکاری ارگان‌ها و نهادهای مربوط می‌داند که مدت‌ها جوانان را معطل می‌کنند. به گفته وی باید مسؤولان به اجرا کارهای خیابانی سهولت ببخشند تا پیشرفت در این امر صورت گیرد.

درست مقابل همان درب اصلی تئاتر شهر روبه‌روی تکیه، کار دیگری آغاز می‌شود «خرمی‌ها» کاری از «حسین ذوالفقاری» از خرمشهر

داستان از این قرار است که سه جوان، مجسمه فردوسی را از میدان، برای آنکه مشکلاتشان را حل کنند،



می‌زدند و فردوسی هم به‌خاطر حل مشکل آنها تصمیم می‌گیرد که شاهنامه را به شکلی مدرن دوبارنویسی کند. ولی باز کمکی به حال آنها نمی‌شود، در آخر متوجه می‌شویم که این فرد، فردوسی نبوده بلکه آن سه جوان مجسمه بودند و سرد مرد

روبه‌روی تئاتر شهر

روایتی از سهراب با خرمی‌ها در حصار کارتونی

بیبا موسوی

کلاش فردوسی‌نما این سه مجسمه را از موزه هنرهای معاصر دزدیده است.

در بخش دوم نمایش، تماشاچی نقش بازیگر را ایفا می‌کند. حسین ذوالفقاری در این مورد می‌گوید: «ما خواستیم که در بخش دوم، بازی توسط تماشاچی چیده شود تا از این طریق خود مخاطب را وارد قصه کنیم تا در شرایط قرار بگیرد و عکس‌العمل نشان دهد».

وی در ارتباط با تأثیرگذاری کارش بر مخاطب معتقد است: «من تئاتر خیابانی را

انتخاب کردم برای این که ارتباط آن با تماشاچی بیشتر است. چون این خود نمایش است که به سراغ مردم می‌رود و فکر می‌کنم این شیوه اجرا عامه‌پسندتر است و می‌تواند مخاطبی از نوع هنرمند و مردم عادی را دربر می‌گیرد».

ذوالفقاری اجرای کار خیابانی را در خرمشهر بسیار ضعیف می‌داند و از عدم حمایت مسؤولان و شهرداری می‌گوید. وی نبود حمایت‌ها را عدم اطلاع کافی از مقوله هنر و ذوق و سلیقه مسؤولان می‌داند و امیدوار است مشکلات مالی و معنوی در این شهر به زودی حل شود تا جایی برای تعالی رشد این هنر باشد.

از جلوی درب اصلی که کمی کنار می‌رویم اجرای کار دیگری شروع شده است. این نمایش «حاصر کارتونی» نام دارد به کارگردانی مختار محمدی از مریان

او نمایش خود را این گونه تعریف می‌کند: «مردی خیابانگرد، کارتن‌های بسیاری را همیشه به دوش می‌کشد که در آنها زخم‌های شهرش را پنهان کرده است. در یکی از کارتن‌ها، عکس‌های مردم شهر است که مرده‌اند و در کارتن دیگر اعلامیه‌های ترحیم زنانه است که دست به خودسوزی زده‌اند» او ادامه می‌دهد: «در شهر مریان این دسته زنان بسیار دیده می‌شوند که بر اثر مشکلات با همسرشان دست به خودسوزی می‌زنند».

در کارتونی دیگر درد کردهای عراق است که در عملیات انتقال، ۱۸۹ هزار نفر از آنان در پاکسازی زنده به گور شدند.

وی در ارتباط با اجراهای خیابانی در مریان می‌گوید: «در شهر ما، تئاتر صحنه‌ای بسیار کم مخاطب است و کارها بیشتر به صورت خیابانی اجرا می‌شود» او از حمایت خوب مسؤولان و ارگان‌های شهر مریان تشکر می‌کند و به ادامه کار خود در این زمینه امیدوار است.

در میان آثار متعددی که در جشنواره امسال عرضه شده‌اند، توجه به وجوه اجتماعی به شدت جلب نظر می‌کند. شاید این را بتوانیم از نشانه‌های اقبال یک جامعه بدانیم که هنرمندان آن، خصوصاً در شاخه‌هایی مثل تئاتر که قابلیت‌های زیادی برای انزوا گزینی و رفتن به سوی مرزهای انتزاعی دارد حامل دغدغه‌های اینچنین باشند و از کنار مسائل روزمره اجتماعی به آسانی نگذرند.

«سپیده نظری پور» در جدیدترین کارش «خانه» که دیروز دو نوبت در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر به صحنه رفت چنین گرایشی را مجسم می‌کند. حکایت او برخلاف نامش، حکایت بی خانمانی دو انسان است که به مناسبت تقدیری ناخواسته، «زن» هستند و اسیر انگاره‌های جامعه‌ای مرد سالار. جامعه‌ای که هرچند برای آنها در وجود مترسک ترسناکی به نام «پدر» مجسم شده‌است ولی نشانه‌های فراوانی حکایت از سیطره‌اش بر تاروپود دنیای ذهنی این دو دارد. جایی که داستانک‌های پراکنده‌ای با گذر از مرز باریک رویا و واقعیت در کار چیدن پازل سرگذشت آدم‌های نمایش برای تماشاگرند، عرصه جولان ذهنیت‌های پراکنده و چندگانه‌ای می‌شود که زهره مجابی نویسنده متن کوشیده منطق درامش را بر پایه مهار آنها بنا کند.

رفت و آمد مکرر میان رویاهای متعددی که در ذهن دو دختر جوان گریخته از خانه و پناه یافته در عمومی‌ترین مکان شهری، یعنی پارک صورت می‌گیرد به مرور تماشاگر را از واقعیت‌های تلخی که بیان صریح‌شان جای اما و اگر فراوان دارد جدا می‌کند و می‌کوشد تا مجالی دهد برای تأمل در وجوه انسانی آدم‌هایی که با انگ‌هایی مثل «خیابانی» و «فراری» اسیر پیشداوری‌های بی‌رحمانه اجتماعی پیرامونند. اجتماعی که از قضا خودش

نمایش «خانه»

آبستن این نطفه‌های شوربختی

است. نظری پور با انتخاب یک

صحنه خالی با نورهای تخت،

کوشیده است هر اسناکی

محیط آدم‌هایش به مخاطب

انتقال دهد. بازی‌های غلوآمیز

بازیگران، البته ناقص تدبیرهای

میزانسن است چرا که با تغییر

دادن مسیر ذهنی تماشاگر،

به جای آنکه در خدمت

اندیشه‌های مستتر در بطن کار

باشد تصویرگر تداخل فضاهای

جنون و سلامت عقل‌اند و

جذابیت‌هایی از جنس دیگری

آفرینند که این نوع کار نیازی

به آن ندارد. از طرف دیگر



نظری پور تمرکز میزانسن‌هایش را بر عنصر «نیمکت» قرار داده که با کارکردی اغراق آمیز در نهایت در حد آزمون دوباره کلیشه‌های قبلاً امتحان شده باقی می‌ماند. و این در حالیست که شروع نمایش و حضور نسبتاً غیر منتظره بازیگر در میان تماشاگران ردیف اول با شکل تمرکز نور و حضور نشانه‌هایی که بعداً کاربرد نمی‌یابند و بی دلیل در صحنه جابه‌جا می‌شوند، نوید نوجویی بیشتری در کار می‌دادند که چنین اتفاقی نیافتاده. شاید به علت درگیری «نظری پور» در بازی مجال چندانی برای تأمل بر فرم نمایش نمانده. شاید هم نوع خوانش او از متن حرکت آدم‌ها را به عنوان محور چینش صحنه‌ها تحمیل کرده. در هر صورت نوع بازی سازبها و استفاده از عناصر صحنه مناسبت چندانی با الزامات متن نشان نمی‌دهند و این در حالی است که از قضا مهم‌ترین نقطه قابل تعمق در چنین رویکردهایی به اجتماع و نقاط تاریک آن رسیدن به تعادل در تصویر کردن واقعیت‌هاست و لغزیدن به‌ر دو سوی پرتگاه، چه رئالیسم و چه اغراق می‌تواند کار را از تمام انرژی لازم برای ارتباط بویا با مخاطب محروم کند.

در عین حال این نکته را هم نمی‌توان از یاد برد که رویکردی که هنرمندان عرصه نمایش در سالهای اخیر برای ثبت کردن انواع تصویرهای موجود در اجتماع امروز ایران آغاز کرده‌اند، ناچار از اختراع دوباره چرخ و پی‌جویی مسیری است که به فرآیند خلق مجدد واقعیتها در بستری هنرمندانه و پویا بیانجامد بدون آنکه شائبه فشردن نقاط دردناک و یا بهانه جویی و غیره را برانگیزد. بنابراین هر نوع نگاه به مسائل اجتماع معاصر صرفنظر از شهامت، جسارتی برای آزمودن راه‌های جدید در فرم و محتوا می‌طلبد. بنابراین اعلان کاستی‌ها را نه به عنوان ایراد، بلکه بهانه‌ای برای پالودن خطاها باید گرفت و دستاوردهای هر حرکت کوچک را به عنوان گامی در مسیر راهیابی به هدف نگریست. «سپیده نظری پور» در برداشتی از نمایش «خانه» توانسته است از شکل رایج فمینیسم در طرح آسیب شناسی بخشی از مسائل مبتلا به جامعه پرهیز کند و این در جایی که به شهادت متن، زن بودن می‌تواند چیزی در مایه‌های «بوی بدبختی» باشد برای خود دستاوردی است.

پیمان شوقی

مثل تمام افسانه‌ها

یادداشتی بر
«اسرار شبانه»
کاری از دیترا کومل

مهدی عزیزی

با چه نمایشی روبرو هستیم، عروسکی و یا؟! نمایش پیش رو هر چه هست مخاطبش را هفت سال به بالا تعریف می‌کند. مخاطب در وهله اول با یک افسانه آسمانی مواجه می‌شود، افسانه‌ای که در عین تیز هوشی، نقدی بر قصه‌های عاشقانه است. نمایش تلاش می‌کند ارتباط خود را با تماشاگر توسط عروسک‌هایی (که همان بازی دهندگان آن هستند) برقرار کند. این نکته توانسته است بر احساسات تماشاگر دست بگذارد و قوه تخیل او را در ارتباط دیگر با نمایش به کار گیرد. نمایش همانند نمایش‌های خیمه شب بازی پس از گشوده شدن یک پرده سفید رنگ آغاز می‌شود. آن طرف پرده، صحنه به دو نیم تقسیم می‌شود. یک طرف خورشید و طرف دیگر ماه. کومل خانه دختر نمایش را در تناسب با خورشید به موازات آن نهاده است و طرف دیگر این توازن را با بنا کردن نانوایی پرو حفظ کرده است.

بی شک هر بیننده‌ای می‌تواند، ارتباط میان زن و مرد را از صحنه نمایش درک کند. کومل در شکل دادن این ارتباط و تفکیک آنها به درستی توانسته است مسئله نسبیت را در این نمایش شبه عروسکی بیان کند. اما آنچه در این بین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است عناصری است که هوشمندانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. طراحی نمایش ذوزنقه‌ای است که از انتهای سن سالن اصلی آغاز می‌شود و تا آوانسن ادامه می‌یابد. غیر از سه عروسک گردان، کومل از دو موزیسین نیز در صحنه استفاده می‌کند که همانا خورشید و ماه نمایش‌اند. این دو از یک دستگاه مجهز به پیانو، جاز، ساکسوفون و چنگ استفاده می‌کنند و در بخش‌های متنوعی آواز نیز می‌خوانند، خورشید نمایش در نقش سوپرانو نیز حاضر می‌شود و در پیوند صحنه‌ها به کمک تماشاگر می‌آید. حداقل میان (خانه دخترک - نانوای پرو) و جایگاه خورشید و ماه یک شیار عمیق است که به کرات از آن به‌عنوان جایگاه عروسک گردان‌ها، دریاچه و لانه موش‌ها استفاده می‌شود. در کنار این شیار دو پلکان است. به هر تقدیر طراحی صحنه این نمایش به زعم نگارنده جزو نقاط مثبت آن به حساب می‌آید.

کومل رانمی‌توان تنها در جایگاه یک کارگردان قرار داد، استفاده بجا و متناسب از رنگ‌ها و از جایگاه یک کارگردان به روان‌شناس ارتقا می‌بخشد. درک تنالیته رنگ و کاربرد آن در صحنه‌های مختلف، شان از درک موقعیت‌هایی است که مخاطب می‌بایستی در آن قرار گیرد. بطور مثال در صحنه جدایی زن از همسرش استفاده از رنگ سرخ (نور) به تمامی، معنای جدایی می‌دهد. استفاده از رنگ آبی (نور) نشانه از نفس افتادن و ناامیدی دختر است. این کمپوزسیون زیبا حقیقتاً از شعور و درک منطقی کارگردان نمایش بر می‌آید.

نمایش می‌خواهد هوشمندانه به ناخودآگاه تماشاگر رسوخ کند و او را متوجه این مطلب سازد که نمایش عروسکی، گرچه مخاطب کودک دارد اما این کودک می‌تواند بزرگ هم باشد و در نهایت سعی می‌کند وجه کودکانه آدمها را به بازی بگیرد.

«اسرار شبانه» نمایشی موفق است چرا که عناصر نمایشی در آن همگی به درستی در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرند.

این نمایش را می‌توان به عنوان یک کارگاه آموزشی دید و ارزیابی کرد. درک این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که تمامی گروه اجرایی این نمایش توان و قوای خویش را در حد آنچه باید باشند خرج می‌کنند. وقتی آواز می‌خوانند در حد و اندازه‌ییک آواز خوان اپرا ظاهر می‌شوند.

وقتی پیانو می‌نوازند، در قواره یک پیانیست... این موضوع به تنهایی درباره بازیگران نمایش نیز صادق است چرا که آنها حس موقعیت را به درستی با بدن خود به نمایش می‌برند. حس غم را می‌توان از راه رفتن آنها درک کرد و یا حس شادی را نیز به‌همین شکل از نوع حرکت آنها می‌توان دریافت.

پس «اسرار شبانه» افسانه‌ها است به غایت تمام

Samuel Beckett's First Play Performed in the 23rd Festival

For the first time in Iran, "Elotria", the first play written by Samuel Beckett, was performed on the fourth day of the 23rd International Fajr Theater Festival.

The play, the script of which was translated by Vahid Rahbani, is performed at 14:00, 18:00 and 20:00 in Kargah-e-Namayesh at Theater-e-Shahr complex.

Vahid Rahbani is the translator of the script, as well as the stage and costume designer.

"Elotria" is the story of a boy who, having left

home, lives alone in a slum area. His family and friends try in vain to take him back to social life.

Maryam Sepehri is the assistant director and Roohollah Haghgooie is the stage director of the play. The actors are Farzaneh Arastooie, Mehdi Bajestani, Behnam Tashakor, Morteza Jafari, Roohollah Haghgooie, Shiva Hamidkhani, Maryam Davari, Erfan Zobeakbar, Ahmad Saatchian, Farideh Saberi, Elika Abdorrazeghi, Nader Fallah, Ali Goudarzi and Fatemeh Naghavi.

A Renowned European Theater Group in the 23rd Festival

Being one of the most famous European theater groups, "Traverse" is participating in the 23rd International Fajr Theater Festival by performing a play that is a joint effort with Palestine. "When the Nightingale Stops Singing" is performed at 17:00 and 21:00 in Koochak hall at Theater-e-Shahr complex.

Traverse is the new trend in Scottish theater, started by a group of independent artists in 1963, as an effort to achieve adventurousness and experimentalism in Edinburgh Festival.

In this play, written by Reja Shahade, Traverse deals with the issue of Palestine and the occupation of Ramallah. The Israeli forces attacked and laid siege to the west coast of Ramallah. The city,

which is of international, cultural and religious importance, was ravaged and many of the inhabitants were killed.

"Reja Shahade", who was trapped behind the front lines, has portrayed a minimalist rendition of a silent cry of resistance.

"When the Nightingale Stops Singing" is the fifth cooperation between David Greig and Phillip Howard, who previously worked together in "Remote Islands" (2002), "The Architect" (1996) and "Europe" (1994).

By producing original plays, Traverse theater has been on fruitful journeys to Britain and other countries, helping its artists professionally. The productions of Traverse have been seen all around the world.

Three More Foreign Groups in Tehran

Three theater groups from Holland, Armenia and Poland have arrived in Tehran to participate in the 23rd International Fajr Theater Festival.

The Armenian group is performing "Antigone", directed by Hakoup Ghazanchian, at 19:00 on Monday and Tuesday in Vahdat hall. The design of the stage started at 23:00 yesterday.

Arriving in Tehran on Sunday, the Dutch group is performing "Arnolt" at 18:30 on January 26 and 27 in the main hall of Theater-e-Shahr complex.

The play, which lasts for 60 minutes, is directed by "Erich Wargirlingz". The stage design will start on late Tuesday.

The Polish theater group, which arrived in Tehran on Saturday, is also performing the street play "Carmen Fonber" directed by Paul Jequotac from Monday January 24 until the end of the festival.

The play is performed everyday at 22:00 outside of Vahdat hall in the open space.

TODAY'S PERSPECTIVE

Monday, January 24th

Vahdat Hall

Performance: 19:00

Antigone

Director: Hakoup Ghazanchian

Sangelaj Hall

Performances: 16:00 – 18:30

The Bitter Land

Director: Nasser Karimi Nik

Honar Hall

Performances: 16:00 – 18:00

Shapoor Traveled and Cried

Director: Hadi Sheibani

Molavi Hall

Performances: 15:00 – 17:30

The Dreams of My City are

Napping

Director: Abid Rostami

Khaneye Namayesh

Performance: 15:00

Tehran at 22:00

Director: Arash Abbasi

Kargah-e-Namayesh (Theater-e-Shahr)

Performances: 14:00 – 18:00 – 20:00

The Invisible Cities

Director: Hassam Majooni

The Café of the Main Hall

(Teriaye Talare Asli)

Performance: 15:00

Where are you now?

A Group Effort

Khorshid Hall

Performance: 16:00

The Complaint

Director: Mohammad Mehdi Khatami

No Hall (Theater-e-Shahr)

Performance: 16:00

A Teacher Called Safar

Director: Alireza Arjouni

Koochak Hall (Theater-e-Shahr)

Performances: 16:00 – 19:00

The Gold Bones

Director: Shokrehkoda

Goodarzi

Chaharsoo Hall (Theater-e-Shahr)

Performances: 17:00 – 21:00

When the Nightingale

Stopped Singing

Director: Phillip Havard

Sayeh Hall (Theater-e-Shahr)

Performances: 17:30 – 20:00

A Documentary Play

Director: Abdolreza Sameri

Ghashghaai Hall (Theater-e-Shahr)

Performances: 18:00 – 20:00

Seven Stories

Director: Khosrow Shahraz

The Main Hall (Theater-e-Shahr)

Performances: 18:30 – 21:00

Alhamlet

Director: Soleyman Al-bousem

Outdoors (Theater-e-Shahr)

Performance: 14:00

Passion-Play: Ahmad Saffah

Outdoors (Vahdat Hall)

Performance: 22:00

Carmen Fonber

Director: Paul Jequotac

Goftogoo Hall (Review

Session)

Performances: 14:00 – 15:00

The Legend

Director: Mohammadali

Bakhshandeh

The Sky will not Cry for Us

Director: Hassan Bastani

Tajrobeh Hall (Khaney-e-

Honarmandan)

Performance: 10:00 to 16:00

The Buried Child

Director: Keyvan Raghbi

Motlagh

An Interview with Phillip Howard the Director of “When the Nightingale Stopped Singing”

Produced by Traverse group, “When the Nightingale Stopped Singing” is a joint effort of Scotland and Palestine which is performed in the 23rd International Fajr Theater Festival. The play has been written by Rajah shahade and directed by Phillip Howard. To learn more about the group and the director, Phillip Phisher had an interview with Howard. Just like his fellow director, Rikson, Phillip Howard is a logical and sensible man in the field of script writing. They both believe that he has been doing his dream job; “The most interesting job in whole Britain”, as he refers to his job. This would have been said in the hectic days of Edinburgh Festival or when Phillip was away from theater for one whole week.

The Festival

Howard mentions that there are three specific weeks in August when theater is enlivened and in which the box offices are overcrowded. “The festival is the time the pantomime is performed. Without the festival, we will not continue living. So we have to preserve our professional integrity,” he explains.

These financial successes enable him to experience new areas the rest of the year. The Director of Traverse prefers to stay away from the hassles and work diligently. With four of his plays winning awards in the first week of the festival, he must be absolutely thrilled. The festival provides a good opportunity for those who want to cooperate with Traverse in the future. He emphasizes that Traverse thinks and acts beyond the Scottish theater and believes that “When the Nightingale Stopped Singing”, directed by him, is a good example of an internationally important play, which is conventionally based. “In the past few years, our opinions have been more internationalized because our plays have been translated into other languages. The situation prepares the ground for performing more theatrical tours compared with the past,” he adds.

The Everyday Work

Literary activity is unconventional. Because in the busy period of the year, between February and April, plays are evaluated for performance and the everyday work is also done. He and his colleagues not only read the scripts, but the group of thirty members also evaluates the works. He thinks of this as a key characteristic of the box office manager. Annually, Howard directs two to three plays on average. It all depends on who he finds preferable as the

directors. Being in other places, Howard directed only one single play in 2004, which was “When the Nightingale Stopped Singing”.

The Tours

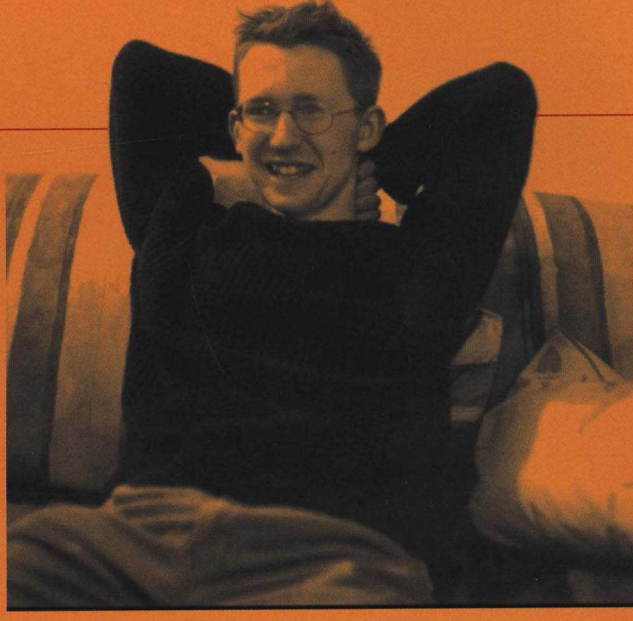
Howard laments that only few of Scottish plays are performed in London. However, he thinks that the situation is improving and Traverse has been a pioneer in the process. He refers to pessimism toward and fear of Scottish plays as the main problem of the Scottish: “Scottish plays are more interesting, more diverse and more complicated. There is more energy and enthusiasm in Scottish theater with the promising global perspective. It is a shame that the Londoners react differently toward the Irish and Scottish theater. I believe this is a religious and cultural problem which has been around for more than a hundred years,” he deploras.

The National Scottish Theater

He is an advocate of the International Scottish Theater project. He is delighted that Vickie Fistrason, a brave and creative director, has been appointed as the administrator of the national Scottish theater, which is considered positive for the Scottish theater.

A Happy Man

It is marvelous that a person is satisfied with his job. We hope he and other members of Traverse have more opportunities to present their works.





5
Theatre
Daily Bulletin of the 23rd
International Fajr Theatre
Festival

Monday, January 24th